

انواع باشلیق‌ها یا کلاه‌های مردانه در آذربایجان

مهدی نجفی^۱

گلشن اشرفی حیدرلو^۲

ایمیل:

چکیده:

najafi5115@gmail.com

وابستگی:

کارشناسی ارشد مهندسی معماری^۱

کارشناسی ارشد بازاریابی^۲

از زمانهای قدیم پوشش سر یا کلاه در اغلب نقاط دنیا از اهمیت بالایی برخوردار بوده و یکی از اجزای اصلی لباس مردان را تشکیل می‌داده است. در خطه آذربایجان نیز فرهنگ استفاده از کلاه در ادوار مختلف تاریخی بصورت جدی رواج داشت و تا نیمه قرن بیستم، جزء جدایی ناپذیر از لباس مردان را شکل می‌داد تا آنجا که نداشتن کلاه نوعی برهنگی تلقی شده و برداشتن کلاه از سر افراد نیز توهین بزرگی محسوب می‌گردید. بی شک بررسی جایگاه اجتماعی و فولکلوریک کلاه در ادوار مختلف تاریخی در آذربایجان می‌تواند موضوع تحقیقات مفصلی باشد که در این راستا قصد داریم به تنوع کلاه‌های مردانه در آذربایجان بپردازیم و انواع رایج و معروف آن را معرفی نماییم.

شایان ذکر است؛ کلاه و پوشش سر در زبان ترکی آذربایجانی، باشلیق (Başlıq) نامیده می‌شود که انواع باشلیق‌های مردانه را می‌توان در چهار دسته کلی بۆرک (Börk)، آراخچین (Araxçın)، ساریق (Sarıq) و پاپاق (Papaq) تقسیم بندی نمود.

کلمات کلیدی: کلاه آذربایجانی، بۆرک (Börk)، آراخچین (Araxçın)، ساریق (Sarıq)، پاپاق (Papaq)

نکته مهم: کلمات لاتین نوشته شده در داخل پارانتر، با رسم الخط لاتین آذربایجانی می‌باشند که به جهت مشخص نمودن تلفظ صحیح و دقیق کلمات در زبان ترکی آذربایجانی درج گردیده‌اند. (Papak)

استناد (آپا):

نجفی، م و اشرفی حیدرلو، گ. انواع باشلیق‌ها یا کلاه‌های مردانه در آذربایجان. ارومیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان

و ترک" سال ۰۲، شماره ۰۵، پاییز ۱۴۰۳. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

Kinds of Men's Hats and Bashlyqs in Azerbaijan

¹Mehdi Najafi

²Golshan Ashrafi Heydarloo

Email:

najafi5115@gmail.com

Affiliation:

¹Master of Architectural
Engineering

²Master of Marketing

Abstract:

Since ancient times, headgear and hat had great importance in most parts of the world and was one of the main components of men's clothing. In the Azerbaijan region, the culture of wearing a hat was seriously prevalent in different historical periods, and until the middle of the 20th century, it was an inseparable part of men's clothing, that not having a hat was considered a form of nakedness, and removing a hat from a person's head was considered a great insult. Undoubtedly, the investigation about the social and folkloric position of the hat in different historical periods in Azerbaijan can be the subject of detailed researches that we intend to focus on the variety of men's hats and bashlyqs in Azerbaijan and introduce its common and famous types.

It should be noted that headgears are called bashlyq in Azerbaijan Turkish language, and the types of men's hats can be divided into four general categories including Bork (Börk), Arakhchyn (Araxçın), Saryq (Sarıq) and Papaq (Papaq).

Important note: Latin words written in parentheses are in Azerbaijan Latin script, which are inserted in order to specify the correct and accurate pronunciation of the words in Azerbaijan Turkish language.

Keywords: Azerbaijan hat, Bork (Börk), Arakhchyn (Araxçın), Saryq (Sarıq), Papaq (Papaq)

CITATION (APA):

Najafi, M. and Ashrafi Heydarloo, G. Kinds of Men's Hats and Bashlyqs in Azerbaijan. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 02, number 05, fall 2024, ISSN: 3041-8690.

Azərbaycanda başlıq və ya kişi papaqlarının növləri

¹Mehdi Nəcəfi

²Golşan Aşrafi Heydarlou

E-poçt:

najafi5115@gmail.com

Mənsubiyyət:

¹Memarlıq mühəndisliyi
magistri

²Marketing magistri

Xülasə:

Qədim dövrlərdən bəri başın örtülməsi dünyanın əksər yerlərində böyük əhəmiyyət kəsb etmiş və papaq kişi geyimlərinin əsas tərkib hissələrindən biri olmuşdur. Azərbaycan bölgəsində papaq qoymaq mədəniyyəti müxtəlif tarixi dövrlərdə ciddi şəkildə üstünlük təşkil etmiş və 20-ci əsrin ortalarına qədər kişi geyimlərinin ayrılmaz tərkib hissəsi olmuşdur. Papaqsızlıq çılpalıq kimi qəbul edilir və adamın başından papaq çıxarmaq böyük təhqir sayılırdı. Şübhəsiz ki, Azərbaycanda müxtəlif tarixi dövrlərdə papağın ictimai və folklor cəhətindən öyrənilməsi geniş tədqiqat obyektinə ola bilər. Bu istiqamətdə biz Azərbaycanda kişi papaqlarının müxtəlifliyinə toxunmaq, onun ümumi və məşhur növlərini tanıtmaya niyyətindəyik.

Qeyd etmək lazımdır ki, Azərbaycan türkcəsində kişi baş geyimi Başlıq adlanır və bunların növlərini dörd ümumi kateqoriyaya bölmək olar: Börk, Araxçın, Sarıq və Papaq.

Açar sözlər: Azərbaycan papağı, Börk, Araxçın, Sarıq, Papaq

CITATION (APA):

Nəcəfi, M. və Aşrafi Heydarlou, G. Azərbaycanda başlıq və ya kişi papaqlarının növləri. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 02, nömrə 05, Payız 2024, ISSN: 3041-8690.

Azerbaycan'da Başlık veya Erkek Şapka Çeşitleri

¹Mehdi Najafi

²Golşan Aşrafi Heydarlou

E-posta:

najafi5115@gmail.com

Üyelik:

¹Mimarlık Mühendisliği
Yüksek Lisansı

²Pazarlama Yüksek Lisansı

Özet:

Antik çağlardan beri başı örtmek veya şapka takmak dünyanın çoğu yerinde büyük önem taşımış ve erkek giyiminin ana bileşenlerinden biri olmuştur. Azerbaycan bölgesinde, şapka takma kültürüne farklı tarihi dönemlerde ciddi şekilde rastlıyoruz ve 20. Yüzyılın ortalarına kadar, şapkalar, erkek kıyafetinin ayrılmaz parçalarından biri sayılırdı o kadar ki. Başlıksız olmak çıplaklık gibi algılanmakta ve bir kişinin kafasından şapka çıkarmak büyük bir hakaret sayılmaktaydı. Şüphesiz Azerbaycan'da farklı tarihi dönemlerde şapkanın sosyal ve folklorik konumunun araştırılması detaylı araştırmaların konusu olabilir, bu doğrultuda Azerbaycan'da erkek şapkalarının çeşitliliğini ele almayı, yaygın ve ünlü türlerini tanıtmayı amaçlıyoruz.

Şunu belirtmekte fayda var; Azerbaycan Türkçesinde şapka ve başörtülerine Başlık denir ve erkek şapka çeşitleri dört genel kategoriye ayrılabilir: Börk, Araxçın, Sarık ve Papak.

Anahtar Kelimeler: Azerbaycan şapkası, Börk, Araxçın, Sarık, Papak

CITATION (APA):

Najafi, M. ve Aşrafi Heydarlou, G. Azerbaycan'da Başlık veya Erkek Şapka Çeşitleri. Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 02, sayı 05, Sonbahar 2024, ISSN: 3041-8690.

مقدمه

در یک نگاه کلی می‌توان سیر تاریخ و تمدن آذربایجان را به دوره های تاریخی مختلفی تقسیم کرد که نهایتاً مردمان این خطه با گذر از این دوره ها، موفق به ایجاد هویت و شعور جمعی به نام هویت آذربایجانی شده‌اند که عمده‌تاً حول زبان ترکی آذربایجانی و فرهنگ، تمدن و فولکلور غنی آذربایجان تجمیع یافته است. شایان ذکر است؛ در آذربایجان به جز ترکان آذربایجان که در اکثریت بوده و فرهنگ و تمدن غالب این خطه را شکل داده‌اند؛ شاهد زیست سایر آذربایجانیها نیز هستیم که از جمله می‌توان به کردهای آذربایجان، تاتهای آذربایجان، تالشهای آذربایجان، آشوریهای آذربایجان و ارامنه آذربایجان اشاره داشت. در تمام دوره های تاریخی مشاهده می‌شود که همواره باشلیق یا همان کلاه، بخشی مهم و جدایی ناپذیر از پوشش آذربایجانیها را شکل داده و بسته به فرهنگ، اقتصاد، آداب، رسوم و مد هر دوره‌ای، تغییراتی را نیز به خود دیده است.

قدمت باشلیق در آذربایجان

با بررسی اولین تمدنهای پا گرفته در خطه آذربایجان یا تمدنهایی که در توپونیم مثلث باستانی آذربایجان می‌زیستند؛ چون مانناها، اورارتوها، مادها، ماساژتها، گوتیان، سومرها، ماریها، حوریها و نیز اسناد و مدارک تاریخی به جای مانده از ایشان از جمله تندیسها، مهرها، زیورآلات و نیز تصاویر و نگاره‌های منقوش بر اشیاء، جامها و سطوح مختلف، بارها به تصاویر مربوط به پوشیدن باشلیق (Başlıq) توسط مردان آذربایجانی بر می‌خوریم که در میان آنها دو نوع باشلیق معروف و کهن آذربایجانی شامل بۆرک (Börk) که کلاه های عمدتاً با فرم مخروطی و نوک تیز را شامل می‌شود و نیز پاپاق (Papaq) که کلاههای عمدتاً با فرم استوانه ای را در بر می‌گیرد؛ به وضوح قابل شناسایی می‌باشند (بقال اصغری، ۱۳۹۹).

در ادوار بعدی و با گسترش ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان ملل و تمدنهای مختلف و نیز تغییرات فرهنگی و اجتماعی در آذربایجان، باشلیقهای دیگری نیز رواج یافت که می‌توان به آراخچین (Araxçın) و ساریق (Sarıq) اشاره داشت. ضمناً انواع دیگری از باشلیقهای خاص نیز در آذربایجان مرسوم بوده‌اند که در ادامه، اشاره‌ای کوتاه به آنها نیز خواهیم داشت.

۱- بۆرک (Börk)

بۆرک یکی از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین باشلیقهای مردانه در خطه آذربایجان و نیز در میان ترکان است. بۆرکها عمدتاً مخروطی شکل بوده و بسته به اینکه از چه متریالی در تولید آنها استفاده شود؛ به دو دسته عمده دَری بۆرک (Dəri Börk) و کئچه بۆرک (Keçə Börk) تقسیم می‌شوند. استفاده از بۆرک از مرزهای جغرافیایی آذربایجان فراتر رفته و با نام عمومی بورکا (Burka) در قفقاز و روسیه نیز محبوب و فراگیر می‌باشد. در ادامه به معرفی مشهورترین انواع بۆرک در آذربایجان می‌پردازیم:

۱-۱- دَرِ بُرُک (Dəri Börk) یا کلاه پوستی: در تهیه این نوع کلاه معمولاً از پوست یا چرم چهارپایانی چون گوسفند، بز و گوزن استفاده می‌شود. در ضمن بعضاً خز حیوانات نیز در بخشهایی از این باشلیقها جهت زیبایی، تزئین یا راحتی بیشتر بکار می‌رود. از معروفترین کلاههای پوستی، کلاه سلجوقی یا سلجوقلو بُرُکو (Səlcuqlu Börkü) است که بطور گسترده از سوی پادشاهان، وزیران، امیران، صاحب منصبان و جنگجویان سلجوقی مورد استفاده قرار می‌گرفت. نظر به عظمت و گستردگی امپراطوری سلجوقی، این باشلیق به مدت طولانی در غرب آسیا، آسیای میانه، آسیای صغیر، خاورمیانه، شمال آفریقا و آذربایجان مرسوم بوده است. بایستی توجه داشت که با توجه به ثروت و یا طبقه اجتماعی هر شخص، جنس پوست این باشلیقها نیز متفاوت بود که در آثار هنری متعدد باقیمانده از آن دوران، می‌توان به نمونه‌های متعددی از این کلاهها برخورد. شایان ذکر است در دوران صفوی، کلاهی که یساولها بر سر می‌گذاشتند نیز معمولاً درِ بُرُک (Dəri Börk) بود (نقوی، ۱۳۹۱).

۲-۱- کُتچِه بُرُک (Keçə Börk) یا کلاه نمدی: این نوع کلاه معمولاً از کُتچِه (Keçə) یا همان نمد و پشم کوبیده حیواناتی چون گوسفند و بز تهیه می‌شود که در گذشته از قیمت و جایگاه اجتماعی پایین‌تری نسبت به درِ بُرُک (Dəri Börk) برخوردار بود و اغلب توسط طبقات عادی و یا فقیر جامعه استفاده می‌شد. اصطلاح معروف "کُتچِه باش" (Keçə Baş) نیز اشاره به همین موضوع دارد که در راستای برجسته کردن کلاه نمدی شخص و جایگاه اجتماعی پایین‌تر وی بکار می‌رفته است. کلاههایی چون کلاه قشقایی (چه طرح قدیم و چه طرح جدید) را می‌توان جز این دسته از کلاهها محسوب نمود.

۳-۱- تاج (Tac): با گسترش تصوف در جهان شرق شاهدیم که کُتچِه بُرُک (Keçə Börk) یا همان کلاه نمدی/ پشمینه در بین صوفیان و رهروان ایشان بسیار رایج گردید زیرا صوفیان معتقد بودند که اغلب پیامبران پشمینه پوش بودند فلذا به تبع آن، فقر و پشمینه پوشی و دوری از ظواهر و مال دنیا، از سنتهای زندگی اجتماعی صوفیان گردید. عرفا و صوفیان این باشلیقها را تاج (Tac) می‌نامیدند و گهگاه شال یا دستاری نیز بدور تاج می‌پیچیدند (الهی، ۱۴۰۱) که در بخش ساریق (Sarıq) بیشتر به آن خواهیم پرداخت. تاجها در اصل نوعی کُتچِه بُرُک (Keçə Börk) هستند ولی با توجه به اهمیت زیاد آنها در تصوف و کارکرد خاص آن از منظر اجتماعی و اعتقادی، مستقل از کُتچِه بُرُک و جداگانه به آن می‌پردازیم. بر روی تاجها شیارهایی ایجاد می‌شد که تَرک (Tərک) نام داشت و بسته به تعداد آنها، نسبت به نامیدن آن تاج اقدام می‌شده است؛ مثلاً تاج یک تَرکه یا چهار تَرکه. تعداد این تَرکهها بسته به هر طریقت و یا دوره تاریخی بسیار متنوع بود؛ بطوریکه از تاج یک تَرکه تا بیست و هفت تَرکه را شاهدیم که حکایت از تنوع آراء و تعداد زیاد طوایف صوفیه دارد (حسنی، ۱۳۸۸). فلسفه وجودی و تعداد این تَرکهها در ابتدا نشأت گرفته از معنای واژه "تَرک" که همان تَرک کردن و دوری جستن از ظواهر دنیا و مادیات است؛ بود ولی به مرور که

اندیشه‌های شیعه‌گری در میان برخی از طریقت‌های صوفیه گسترش یافت؛ عمدتاً از پدیده‌ای مفهومی و درونی، به پدیده‌ای ظاهری و بیرونی تبدیل گردید و به مرور زمان، تعداد ترک‌ها از معنا و محتوای طریقت خالی شده و نمادی از شریعت گردیدند. به عنوان مثال صوفیان بکتاشیه از تاج نمدی سفید با دوازده ترک استفاده کردند و روی هر یک از ترک‌ها نام یکی از امامان را نوشتند که جلوه‌ای از شیعه دوازده امامی بود. بعدها انتخاب تاج دوازده ترک قرمز رنگ از سوی صوفیان نیز دقیقاً در همین راستا صورت گرفت (همان منبع). شایان ذکر است دلیل قزلباش نامیدن پیروان صفویه نیز استفاه از همین تاج قرمز رنگ دوازده ترک بود که به آن تاج حیدری نیز اطلاق می‌شد (میر مبین، ۱۴۰۰).

خاطر نشان می‌شود؛ یکی از معروفترین تاج‌های صوفیان، سکه (Sikke) بود که همان کتچه بؤرک بلند و معروفیست که صوفیان طریقت مولویه در هنگام رقص سماء بر سر می‌گذارند (Begic, 2019).

۴-۱- **هَری کُم (Həri Kom) یا هَری کَلَاو:** در زبان کردی گرمانجی، هَری به معنای پشم و کُم یا کَلَاو به معنای کلاه است و هری کم یا هری کَلَاو، کلاهی از جنس پشم کوبیده است که کردهای آذربایجان بر سر می‌گذارند. این کلاه معمولاً از پشم بز و با ترکیب رنگ سفید و سیاه و یا پشم گوسفند با رنگ سفید، قزل یا قهوه‌ای تهیه شده و بعضاً دارای لبه‌هاییست که در سرمای کوهستان گوشه‌ها را نیز بپوشاند.

۵-۱- **کلاه آشوری کوزتا (Kozeta):** لباس سنتی مردمان آشوری که به آشوری خُمَلَه (Aşuri xomələ) معروف است؛ از بخش‌های مختلفی به شرح زیر تشکیل شده است:

- ژاکت: کوتنا (Kotna)
- شلوار: شوروالا (Şurvala)
- جلیقه و پیراهن: لاوندی (Lavendi)
- بند کشی: تیکتا (Tikta)
- کمر بند پارچه ای یا شال کمر: شباکا (Şebaka)
- کفش: سارکولی (Sarkoli)
- کلاه: کوزتا (Kozeta)

کلاه آشوری کوزتا (Kozeta) نوعی کتچه بؤرک یا کلاه نمدی است که به رنگ سیاه و در شکل کاسه یا مخروط کوتاه ساخته شده و گهگاه برای زیبایی یا در جشنها و مراسمات ویژه و آیینی، در گوشه آن پره‌های رنگی قرار داده می‌شود (سایت اینترنتی Tlethayotha).

۲- آراخچین (Araxçin)

آراخچین (Araxçin) یا همان عرقچین، یکی از انواع باشلیقهای مردان و زنان آذربایجانی و نیز غرب آسیا از جمله آسیای میانه، افغانستان، ایران، ترکیه و عراق است. این باشلیق معمولاً از نخهای پنبه یا ابریشم و یا پارچههای کتان، ترمه و ابریشمی تهیه می‌شود و پوششی سبک، کوچک و راحت برای سر است. با توجه به سبکی و کوچکی آن و نظر به اینکه جنس و شکل آن به نحوی است که عرق سر را نیز کنترل می‌نماید؛ بعضاً در زیر سایر باشلیقها از جمله بۆرک (Börk)، ساریق (Sarıq) و پاپاق (Papaq) نیز استفاده می‌شود.

نکته جالب در مورد آراخچین (Araxçin) این است که در طرحها و شکلها و رنگهای مختلف و با تزیینات زیبا از سوی زنان آذربایجانی نیز بصورتی گسترده استفاده شده و بخشی از لباس سنتی و ملی زنان آذربایجان را شکل می‌دهد. شایان ذکر است؛ در فرهنگ زنان آذربایجانی، انواع باش اؤرتوسو (Başörtüsü)، شال (Şal)، یایلیق/وسری/چارقد (Yaylıq) و چارشاب/چارشاف/چادر (Çarşab/Çarşaf) بر روی این عرقچینها پوشیده می‌شود (سایت رسمی جمهوری آذربایجان). برای انواع آراخچین، نامهای خاصی نیز از سوی مردم اطلاق می‌شده که برخی از آنها عبارتند از:

۲-۱- توخوما آراخچین (Toxuma Araxçin): که همان آراخچین بافتنی است که به جای استفاده از پارچه، توسط میل بافتنی بافته می‌شود. در این آراخچینها، نخ تک رنگ و یا بعضاً چند رنگ بکار می‌رود.

۲-۲- ایپک آراخچین (İpək Araxçin): جنس این آراخچین از ایپک یا همان ابریشم بوده و نرمی و ظرافت بسیاری دارد. استفاده از پارچه ایپک یا ابریشم برای آراخچین در بین مردان کمتر مرسوم بوده و در میان زنان از محبوبیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است.

۲-۳- ایپلیک آراخچین (İplik Araxçin): این آراخچینها عمدتاً از پارچه نخی و کتان تهیه شده و به علت ارزانی، سبکی و خنکی، مخصوصاً جهت استفاده از زیر سایر باشلیقها یا در فصول گرم سال محبوب هستند.

۲-۴- ناماز آراخچینی (Namaz Araxçını): آراخچین سفید ساده که نمازگزاران و حاجیان از آن استفاده می‌کنند. این نوع آراخچین امروزه بیشتر در بین آذربایجانیهای اهل سنت که کوره سنی (küre sünni) نامیده می‌شوند و یا بین برخی حاجیان و کردهای آذربایجان رواج دارد و هنگام خواندن نماز بر سر می‌گذارند. در ترکیه به آن تاکّه (Takke) گفته می‌شود.

۲-۵- جووود آراخچینی (Cüvüd Araxçını): همان کلاه معروف کیپای یهودی است که استفاده از آن در طرحها و شکلهای مختلف میان یهودیان آذربایجان و سایر نقاط جهان مرسوم می‌باشد.

۲-۶- یاس آراخچینی (Yas Araxçını): این آراخچین در رنگ مشکی یا سبز سیدی دوخته شده و پوشیدن آن در انواع مجالس ترحیم یا عزاداریها علی‌الخصوص عزاداریهای حسینی و ایام عاشورا و تاسوعا مرسوم است و مردانی که برای سینه زنی و زنجیر زنی در مساجد یا دسته‌های عزاداری و یا در مراسم تشییع و کفن و دفن درگذشتگان جمع می‌شوند؛ بر سر می‌گذارند. یاس آراخچینی معمولاً کمی بزرگتر از سایر آراخچینها بوده و از بهم دوختن ۶ یا ۸ قطعه پارچه قیقاج یا مثلثی هم شکل و هم اندازه تهیه می‌شود.

۲-۷- گلخارک (Gelxark): نوعی آراخچین پارچه‌ای است که توسط دختران و پسران ارمنی ساکن در آذربایجان در سالهای کودکی تا نوجوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. (خاچاطور، ۱۳۸۶)

۲-۸- گداگ (Gedag): گداگ نیز همچون گلخارک نوعی آراخچین پارچه‌ای است که توسط دختران و پسران ارمنی ساکن در آذربایجان در سالهای کودکی تا نوجوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. (همان منبع)

۲-۹- گیشرایین (Gişerayin): نوعی آراخچین سبک و پارچه‌ای است که شب‌ها در خانه یا هنگام خواب توسط مردان ارمنی ساکن در آذربایجان مورد استفاده قرار می‌گرفت. (همان منبع)

۳- ساریق (Sarıq)

ساریق (Sarıq) که در سایر زبانها، فرهنگها و ملل، دستار، عمامه، منديل و توربان نیز نامیده می‌شود؛ هم‌ریشه با واژه ترکی سارماق به معنای پیچیدن است و به طور عمومی به باشلیقهایی اطلاق می‌شود که از پیچیدن شالی بدور سر و یا کلاه شکل می‌گیرند. در سالهای آغازین گسترش اسلام در شمال افریقا، جنوب و غرب آسیا و خاورمیانه، شاهد رواج و استفاده گسترده مسلمانان از این پوشش سر هستیم؛ تا آنجا که می‌توان گفت در آن سالها، پایگاه اسلامی و دینی ساریق از پایگاه قومی و فولکوریک آن پیشی گرفته بود. (Dinçer, 2017)

در ادامه به سایر انواع ساریقهای مرسوم در آذربایجان می‌پردازیم:

۳-۱- عمامه: از مرسوم‌ترین ساریقها در آذربایجان که همچنان رواج داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ عمامه است که امروزه همچنان توسط ملایان (آخوندها) و علمای شیعه پوشیده می‌شود و جزئی جدایی ناپذیر از لباس ایشان است. خاطر نشان می‌شود؛ ملایانی که نسبشان به ائمه می‌رسد و در اصطلاح سید هستند؛ از عمامه مشکی و ملایانی که سید نمی‌باشند؛ از عمامه سفید استفاده می‌نمایند.

۲-۳- شَمَلَه (Şəmlə): واژه شَمَلَه از زبان عربی گرفته شده است ولی در گویش مردم کوچه و بازار آذربایجان و به جهت راحتی، بعضاً با جابجایی حروف میم و لام، شلمه (Şəlmə) نیز تلفظ می‌شود. شَمَلَه شالیست که یا به تنهایی دور سر پیچیده شده و یا از روی آراخچین پیچیده می‌شود. این پوشش در چند قرن اخیر علی‌الخصوص از دوران سلسله افشاری در میان ترکهای آذربایجان از رواج افتاده است ولی همچنان میان کردهای آذربایجان رایج است. نکته مهم اینکه بر خلاف کردهای سایر نقاط از جمله کردستان، اورامانات، کرمانشاه، ایلام و شمال عراق که این نوع پوشش را با نامهایی چون سروین، پیچ، جامانه و دستار می‌خوانند؛ کردهای آذربایجان همسو با سایر مردم آذربایجان، این پوشش را شَمَلَه (Şəmlə) می‌نامند. شمله‌های مورد استفاده از سوی کردهای آذربایجان عمدتاً به رنگ تیره، سفید و یا ترکیبی از سفید و مشکی است. شایان ذکر است؛ مطابق اسناد دوران صفوی، این نوع کلاه در آن دوران منديل یا دوربند نامیده می‌شد که احتمالاً واژه توربان که امروزه در برخی کشورهای اسلامی به این نوع باشلیق اطلاق می‌شود؛ معرب شده کلمه دوربند باشد (نقوی، ۱۳۹۱).

۴- پاپاق (Papaq)

به جرأت می‌توان گفت که پاپاق (Papaq)، سمبلیک‌ترین، اختصاصی‌ترین و مهم‌ترین باشلیق (Başlıq) مردان در آذربایجان است و بخشی از لباس ملی مردان آذربایجان را شکل می‌دهد؛ تا آنجا که هرگاه سخن از یک مرد کلاسیک و سنتی آذربایجانی به میان می‌آید؛ تصور وی بدون پاپاق دشوار به نظر می‌رسد (Əzizbəyova, 1972). شایان ذکر است که پاپاق (Papaq) در برخی از لهجه‌های ترکی آذربایجانی، پاپاخ (Papax) نیز تلفظ می‌شود.

پاپاق (Papaq) در کنار بۆرک (Börk) از کهن‌ترین باشلیقهای آذربایجان بوده و معمولاً از خز حیواناتی چون گوسفند، بز، روباه، سمور، گرگ، خرس و گوزن ساخته می‌شود. تفاوت ظاهری آن با بۆرک (Börk) در این است که به جای پوست، چرم یا نمد، از خز ساخته شده، شکل آن عمدتاً حالت استوانه‌ای داشته و لبه‌های پایینی آن نیز معمولاً تا نمی‌خورد و بر نمی‌گردد. این نوع باشلیق فراتر از جغرافیای آذربایجان نیز محبوبیت و مقبولیت بسیاری دارد و با اسامی و اشکال مختلف مورد استفاده است که از آن جمله می‌توان به کلاه کاراکول/قاراگؤل (Karakül/Qaragöl) در افغانستان، پاکستان و هندوستان، کالپاک (Kalpak) در ترکیه، کولپیک (Kolpik) در میان یهودیان اشکنازی و پاپاخا (Papaxa) در میان روسها و سایر ملل قفقاز اشاره داشت. گرانترین و مرغوبترین پاپاقها از سده‌های گذشته تا امروز، آنهایی هستند که از خز بره سیاه معروف به قاراگؤل (Qaragöl) تهیه می‌شوند که در ایران به بخارا پاپاقی (Buxara Papaqi) نیز معروفند. قاراگؤل (Qaragöl) در زبان ترکی به معنای دریاچه سیاه است و نام دریاچه و منطقه‌ایست در آسیای میانه که نژاد گوسفند معروف قاراگؤل (Qaragöl) در آن پرورش می‌یافت. بعدها این نژاد به سایر مناطق از جمله افغانستان، روسیه و ایران نیز برده شده و تکثیر گردید. این پاپاقها بعلت گران

بودن، عمدتاً توسط شاهان، وزراء، بلندپایگان و ثروتمندان جامعه استفاده شده و سایر طبقات اجتماعی معمولاً از پاپاقهایی که از پوست بره محلی تهیه می‌شوند؛ استفاده می‌نمایند (پور بختیار، ۱۴۰۱). در ادامه به معرفی مشهورترین انواع پاپاقها از نظر شکل ظاهری می‌پردازیم:

۱-۴- خان پاپاقی (Xan Papaqı): این پاپاق بلند نبوده و دارای ارتفاع متوسط یا کوتاه است و از دو سمت راست و چپ جمع شده و با شیبی بهم می‌رسد. خان پاپاقی معمولاً در مناطق غربی آذربایجان و نیز میان ترکان استانهای آذربایجان غربی، کردستان، زنجان و قزوین از محبوبیت بیشتری برخوردار بوده و به نوعی پاپاق محبوب ترکان افشار (از جمله در اورمیه و زنجان) نیز می‌باشد. در ایران به این نوع پاپاق، خانی (Xani) یا عزیز خانی (Aziz Xani) نیز می‌گویند. در تهیه آن از خز قاراگؤل (Qaragöl)، خز مرغوب بره محلی، خز مرغوب بز و گهگاه بصورت نمادین از خز روباه، شغال یا گرگ استفاده می‌شود.

۲-۴- بیگ/بی پاپاقی (Beyg/Bəy Papaqı): این پاپاق بلند نبوده و دارای ارتفاع متوسط یا کوتاه است و معمولاً به شکل یک استوانه می‌باشد. بیگ پاپاقی معمول‌ترین و متداول‌ترین نوع پاپاق در آذربایجان است. در ایران به این نوع پاپاق، شاهسون پاپاقی (Şahsevən papaqı) یا شاهسونی (Şahsevani) نیز می‌گویند. در تهیه آن از خز قاراگؤل (Qaragöl)، خز مرغوب بره محلی، خز مرغوب بز و گهگاه بصورت نمادین از خز روباه، شغال یا گرگ استفاده می‌شود.

۳-۴- باهادرور پاپاقی (Bahadur Papaqı): پاپاق در روسیه، ایران و ترکیه به اندازه‌ای محبوبیت و ارزش داشت که سالها کلاه رسمی بخشی از نیروهای نظامی این کشورها از جمله نیروهای زده قازاق را تشکیل می‌داد و بعدها با افزایش جایگاه اجتماعی آن، صرفاً توسط ژنرالها و افسران رده بالای ارتشی مورد استفاده قرار گرفت. در آذربایجان به این پاپاقها که توسط نیروهای نظامی و ارتش مورد استفاده قرار گرفته و معمولاً دارای آرمهای ملی یا نظامی نیز بودند؛ در اصطلاح عامه باهادرور پاپاقی گفته می‌شد. این پاپاقها در ایران اکثراً توسط صاحب منصبان ارتشی، افسران، بهادران، تحصیل کردگان نظامی و نیروهای ویژه قازاق استفاده شده و در تهیه آن خز قاراگؤل (Qaragöl) و یا خز مرغوب بره محلی بکار می‌رفت.

۴-۴- میرزا پاپاقی (Mirza Papaqı): ارتفاع آن متوسط یا بلند بوده و معمولاً به شکل استوانه‌ایست که قطر بالایی آن کمتر از قطر پایینی آن باشد. با توجه به اینکه این پاپاق در دوره ای توسط دارندگان سواد و به اصطلاح رؤسا و کارمندان دیوانی و حکومتی استفاده می‌شد؛ به میرزا پاپاقی (Mirza Papaqı) معروف گشت و بعدها در میان طبقه روشنفکر جامعه نیز دارای محبوبیت گردید. در تهیه آن خز قاراگؤل (Qaragöl) و یا خز مرغوب بره محلی بکار برده می‌شود. نام دیگر آن داقا پاپاقی (Daqqa Papaqı) می‌باشد.

۴-۵- قوچو پاپاقی (Goçu Papağı): ارتفاع آن متوسط یا بلند بوده و معمولاً به شکل استوانه‌ایست که قطر بالایی آن بیشتر از قطر پایینی آن باشد فلذا در نقطه مقابل میرزا پاپاقی قرار می‌گیرد. عمدتاً توسط بزرگان و افراد بلند پایه یا صاحب نفوذ استفاده می‌شود. در تهیه آن خز قاراگؤل (Qaragöl) و یا خز مرغوب بره محلی بکار می‌رود.

۴-۶- قاجار پاپاقی (Qacar Papağı): ایل قاجار در ابتدا در آذربایجان ساکن بوده و سپس بخشی از آنان به مناطق گرگان و طبرستان کوچانده شده و در نهایت با غلبه بر حکومت زندیه که تنها بر بخشهایی از ایران حکومت داشت؛ موفق به تأسیس سلسله قاجاری و یکپارچه سازی ایران به شکل امروزی گردیدند. با توجه به اینکه این نوع پاپاق (Papaq) در میان بزرگان قاجار نیز محبوب بوده و استفاده می‌شده است؛ به قاجار پاپاقی (Qacar Papağı) معروف گشت. شکل ظاهری این پاپاقها همچون بیگ پاپاقی است با این تفاوت که ارتفاع آنها بیشتر بوده و جزء پاپاقهای با ارتفاع بلند محسوب می‌شوند. در اوایل دوران قاجاری بعضاً در ساخت آنها اغراق شده و بلندی آنها حتی به نیم متر نیز می‌رسید ولی بعدها ارتفاع آنها تعدیل گشت و شکل و فرمی شبیه به بیگ پاپاقی به خود گرفت. در تهیه آنها خز قاراگؤل (Qaragöl) بکار می‌رفته است. به آنها قلمی پاپاق (Qələmi Papaq) نیز می‌گویند.

۴-۷- چاپما پاپاق (Çapma Papaq): ارتفاع این پاپاق بلند بوده و معمولاً وزراء و بلند پایگان حکومتی بر سر می‌گذاشتند. انتهای این پاپاق دارای شیب یکطرفه است و گهگاه با ماهوت یا مخمل سرخ پوشانده می‌شود. در تهیه آن خز قاراگؤل (Qaragöl) بکار می‌رود. این نوع پاپاق، حاجی ترخان پاپاقی (Hacıtərhan Papağı) یا هشترخانی (Həştərxani) نیز نامیده می‌شد.

۴-۸- موتال پاپاق (Motal Papaq): این پاپاق از خز گوسفند یا بز ساخته می‌شود ولی در ساخت آن قالب یا نگهدارنده جهت ثابت نمودن شکل پاپاق بکار نمی‌رود و حالتی رها و شل دارد. بعلت سبکی و راحتی، معمولاً برای استفاده روزمره کاربرد دارد و حتی معمول است که پسران نوجوان نیز آنرا بر سر بگذارند. معمولاً اندازه آن منطبق بر کاسه سر است. چنانچه در تهیه آن خز گوسفند مرغوب بکار رود؛ معمولاً توسط افراد شهری پوشیده شده و معروف به شله پاپاقی (Şələ Papağı) است و اگر از خز گوسفند یا بز محلی تهیه گردد؛ معمولاً توسط افراد روستایی پوشیده شده و چوبان پاپاقی (Çoban Papağı) نامیده می‌شود. این نوع پاپاقها را در اصطلاح عامه، کاسکی پاپاق (Kasəki Papaq) نیز می‌گویند زیرا معمولاً شکل کاسه سر را دارند. ضمناً نوع مشهوری از این پاپاق که از خز خیلی بلند و سفید رنگ گوسفند تهیه می‌شود؛ معروف به تورکمن پاپاقی (Türkmən Papağı) می‌باشد.

۴-۹- پاپاخ (Papax): پوشاک سنتی ارامنه تأثیر زیادی از پوشاک سنتی مردم ایران و آذربایجان پذیرفته است. در اواخر سده‌های میانه، طرز لباس پوشیدن ترکان، پوشاک ارمنی را تحت‌الشعاع قرار داده و این تأثیر تا اوایل سده بیستم باقی ماند. در همین راستا کلاه اصلی ارمنیهای آذربایجان که در مراسم رسمی و نیز زندگی روزمره بکار می‌بردند؛ همان پاپاق (Papaq) آذربایجانیست که در زبان ارمنی، پاپاخ (Papax) تلفظ می‌شود. (خاچاطور، ۱۳۸۶)

۵- سایر باشلیقها

در آذربایجان علاوه بر انواع باشلیقهای اصلی که در چهار دسته کلی بۆرک (Börk)، آراخچین (Araxçın)، ساریق (Sarıq) و پاپاق (Papaq) طبقه بندی می‌شوند؛ باشلیقهای دیگری نیز رواج دارند که به تعدادی از آنها به اختصار اشاره می‌شود:

۵-۱- سَکَه بۆرک (Sələ Börk): در اصل نوعی کلاه حصیری است. معمولاً از ساقه های گندم که به ترکی کولش (Küləş) می‌گویند؛ توسط زنان روستایی اورمیه که مرکز عمده کشاورزی و باغداری آذربایجان است؛ بافته می‌شود. رسم است که زنان و مردان این خطه هنگام کار در مزارع در گرمای تابستان، آن را در آب خنک چاه فرو برده و سپس بر سر می‌گذارند. در بخشهای دیگر آذربایجان نیز بعضاً توسط روستاییان استفاده می‌شود و گهگاه از ساقه علفها (Ot və Saman Sapı) و برگها و ساقه‌های ظریف نی (Qəmiş və Saz) نیز بافته می‌شود.

۵-۲- یون بۆرک (Yün Börk): به کلاه پشمی نیز معروف است که توسط میل بافتنی و از انواع نخهای پشمی یا کاموا در طرحها، رنگها و شکلهای مختلف بافته می‌شود.

۵-۳- لَبَه‌دار (Ləbədar): در سالهای پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، افزایش ارتباطات اجتماعی و تعاملات فرهنگی ایران و خطه آذربایجان با غرب که با حضور مسیونرهای اروپایی و امریکایی تشدید گردید؛ منجر به آشنایی مردم ایران با پوشش اجتماعی و روزمره غرب شد. در این سالها به مرور شاهد اقبال به کت و شلوار و کلاه شاپو در آذربایجان هستیم. در دوره پهلوی اول، با تصویب "قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخله مملکت" در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، کلاه پهلوی به عنوان کلاه رسمی ایران تعیین شد که با تغییرات و اصلاحات این قانون که تا سال ۱۳۱۴ به درازا کشید؛ نهایتاً کلاه شاپو به عنوان کلاه رسمی کشور برگزیده شد (مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی). در این هنگام بود که مردم آذربایجان با تلفیق کلاه شاپوی غربی با سنن و فرهنگ خود اقدام به تولید نوعی کلاه شاپوی محلی نمودند که به لَبَه‌دار (Ləbədar) معروف گشت. این کلاه بعدها در آذربایجان مخصوصاً در میان مردان میانسال و یا به سن گذاشته و نیز بازاریان محبوبیت زیادی یافت تا آنجا که امروزه نیز گهگاه توسط بزرگان و یا قشر سنتی و بازاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جداول و تصاویر

جدول شماره ۱: نگاه کلی به انواع پاپاقهای مشهور از منظر شکل و فرم		
خان پاپاقی (Xan Papağı)		
بیگ/ بی پاپاقی (Beyg/Bəy Papağı)		
بهادور پاپاقی (Bahadur Papağı)		
میرزا پاپاقی (Mirza Papağı)		
قوچو پاپاقی (Goçu Papağı)		
قاجار پاپاقی (Qacar Papağı)		
چاپما پاپاق (Çapma Papaq)		
موتال پاپاق (Motal Papaq)		

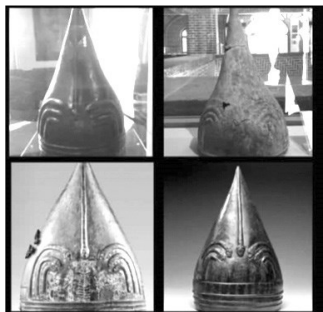
تصویر شماره ۲: عاج متعلق به تمدن ماننایی که کلاه نوک تیز (بؤرک) به وضوح در آن مشخص است.



تصویر شماره ۱: مجسمه آشیق ماننایی که کلاه پاپاق بر سر دارد.



تصویر شماره ۴: کلاه تیز اورارتویی در موزه های اردبیل، تبریز و وان



تصویر شماره ۳: نقش اورارتویی و کلاه پاپاق بر سر افراد



تصویر شماره ۶: تاج قزلباشی بدون ساریق و عمامه



تصویر شماره ۵: سلجوقلو بؤرکو (Səlcuqlu Börkü) یا کلاه سلجوقی

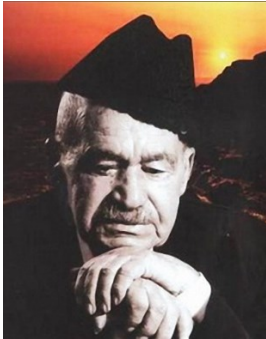


تصویر شماره ۸: ناماز آراخچینی



تصویر شماره ۷: کلاه آشوری کوزتا

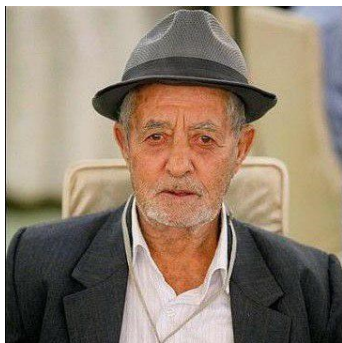


تصویر شماره ۱۰: نوعی از خان پاپاقی 	تصویر شماره ۹: ده ده کاتب شاعر نامدار اورمیه با خان پاپاقی 
تصویر شماره ۱۲: آشیق آذربایجانی با بیگ پاپاقی بر سر 	تصویر شماره ۱۱: تبر توزیع شده در جمهوری آذربایجان (لباس ملی مردان آذربایجانی به همراه بیگ پاپاقی) 
تصویر شماره ۱۴: قاجار پاپاقی 	تصویر شماره ۱۳: کلنل محمدتقی خان پسیان با باهادور پاپاقی بر سر 
تصویر شماره ۱۶: عباس میرزا با چاپما پاپاق 	تصویر شماره ۱۵: مظفرالدین شاه قاجار با تاجی از نوع پاپاق 

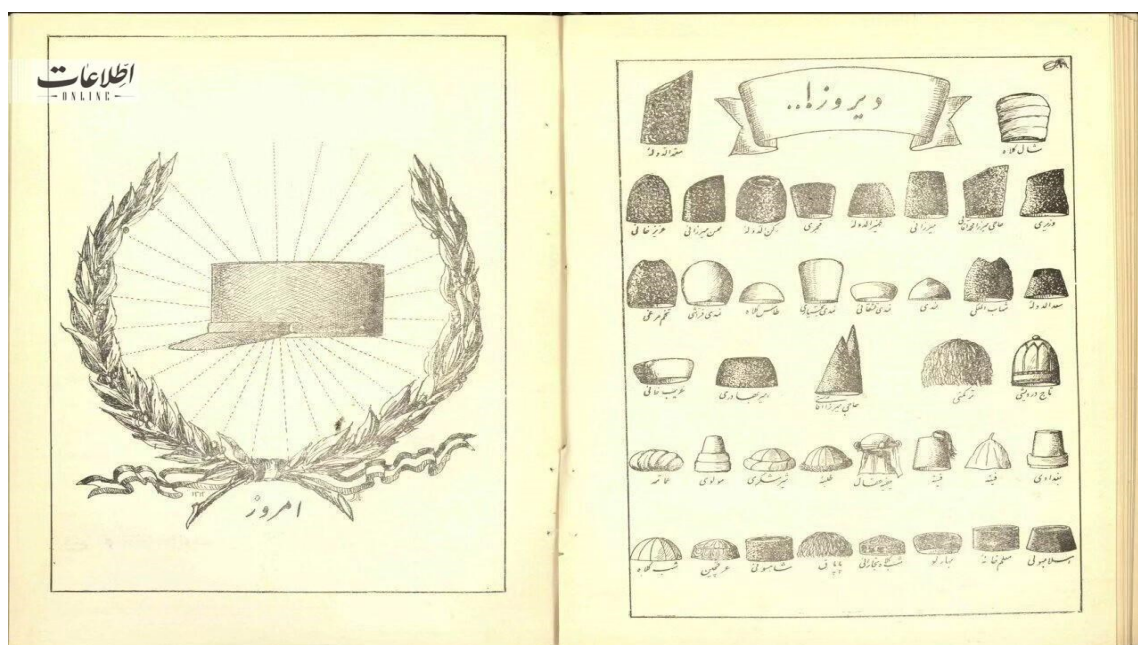
تصویر شماره ۱۷: رقصنده آذربایجانی با تورکمن باپاکی



تصویر شماره ۱۸: حاج ازبرعلی حاجوی معروف به دهقان فدکار با کلاه لبه دار



تصویر شماره ۱۹: سندی مهم از متحدالشکل نمودن کلاه در ایران و جایگزینی کلاه پهلوی با سایر کلاههای مرسوم



نتیجه گیری

گستره و غنای تاریخی و فرهنگی آذربایجان موجب گردیده است؛ شاهد مجموعه ای کم نظیر و منحصر بفرد از لباسهای ملی و محلی در آذربایجان باشیم که از پیشینیان به ما به ارث رسیده است. در این مجال سعی داشتیم قدمی در راستای جمع بندی و یادآوری باشلیقهای معروف آذربایجان برداریم. گرچه امروز با توجه به تغییرات فرهنگی جامعه جهانی، شاهد اقبال عمومی کمتر به انواع باشلیقها هستیم ولی امید است؛ از حفظ و نگهداری این میراث ارزشمند غافل نشویم. می توان در مراسم رسمی یا انواع

آیینها و جشنهای ملی و فولکلوریک، از این باشلیقها بطور سمبلیک استفاده نمود و حتی این باشلیقها را در مناسبتهایی چون روز مرد، چیلله گئجه سی (Çillə Gecəsi)، نوروز بایرامی و ... به مردان آذربایجانی هدیه داد. همچنین فعالان عرصه مد در آذربایجان می‌توانند ضمن وفادار ماندن به ارزشهای محتوایی و سمبلیک هر یک از این باشلیقها، با تطبیق آنها با مد روز، نسبت به خلق طرحهای جوان پسند و امروزی نیز اقدام نمایند. باشد که میراث‌دار خوبی برای فرهنگ غنی آذربایجان باشیم.

منابع

- الهی، محبوبه. پازوکی، شهرام. عبدالکریمی، بیژن. عبدی، ناهید. رمز و نشانه در کلاهما و سرپوشهای صوفیان ایران. مجله علمی مطالعات عرفانی، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۴۰۱. ص ۵-۳۴
- بقال اصغری، رحیم. لباس در آذربایجان باستان. انتشارات بهار دخت، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۹
- پور بختیار، غفار. پوشاک و نقش آن در انعکاس تمایزات اجتماعی عصر قاجار بر اساس نظریه تمایز بوردیو. نشریه جامعه شناسی تاریخی، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱. ص ۱۱۵-۱۴۵
- حسنی، عطاء الله. کلاه ترک از آغاز تا صفویان. مجله تاریخ ایران، شماره ۶۰/۵، بهار ۱۳۸۸. ص ۵۷-۷۴
- خاچاطور، زویا. پوشاک ارمنیان جلفا. فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۴۰، سال یازدهم، تابستان ۱۳۸۶
- میر مبین، رضا. کلاه قزلباشی، شاخصی پنهان در هنر نظامی محور صفویه. فصلنامه رهپویه هنرهای صناعی، دوره اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۰. ص ۱۰۳-۱۱۱
- نقوی، منیره سادات. مرآتی، محسن. مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوران صفوی با تأکید بر دیواره نگاره های کاخ چهلستون اصفهان. نشریه مطالعات تطبیقی هنر، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱. ص ۱-۱۷

- Əzizbəyova, Prof. P. Ə. AZƏRBAYCAN MİLLİ GEYİMLƏRİ. Azərbaycan SSR Elmlər Akademiyası Azərbaycan tarixi muzeyi. «Искусство» nəşriyyatı. Moskva 1972
- Begiç, nurgül. Mevlevilikte bir sembol: keçe başlıklar "sikke, arakiyye, külah". Turkologia, No5(97), 2019(۱۴۳-۱۲۹).
- dinçer berdibek, Zeynep. abbasi imame terimi üzerine bir değerlendirme. journal of turkish language and literature, volume 3, issue 1, winter 2017(۸۳-۷۴).
- <https://azerbaijan.az/related-information/51>
- <https://tlethayotha.com/en-ca/products/assyrian-traditional-khomala-clothing>
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91874>